



جنایت علیه معصومیت

یادداشتی از **آرش ملکی** پژوهشگر حقوق بین‌الملل دربارهٔ بمباران بیمارستان کودکان کی‌یف



نواحی پیروزی ساز پزشک‌ها

بررسی آماری **سمیه متقی** از آرای پزشک‌ها - جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان



خاورمیانه یعنی اسطوره

درباره اثر جدید **عباس مخبر** که بررسی‌های کلی دربارهٔ هستی را نشان می‌دهند



گام‌های امنیتی ناتو علیه روسیه

تحلیلی از **لولیا-ساینا جوجا** مدیر برنامه‌ریزی سیاه در انستیتو خاورمیانه

گزارش دولت ۲۰۳

کناره گرفتن ستارگان؟

بررسی خودداری

محمد جواد ظریف

محمد جواد آذری جهرمی

محمد فاضلی

از حضور در دولت چهاردهم

یادداشت سردبیر

یغما و استغنا

درباره دو خطری که دولت را از درون تهدید می‌کند



محمد جواد روح

با گذشت کمتر از یک هفته از انتخاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری ایران و در حالی که او هنوز به مرحله تنفیذ و پوشیدن رسمی ریاست جمهوری نرسیده است؛ سایه‌های تهدید و تردید را بر سر دولت جدید می‌توان دید.

جریان تهدید: شکست خوردگان انتخابات از همان بامداد شنبه که فهمیدند راهی به پاس‌تور ندارند، شروع به واکنش‌های تند کردند و به تهدید رئیس‌جمهور منتخب و حامیان او برآمدند. البته، در ابتدا این واکنش‌ها عموماً درونی بود و به مجادله رأس و بدنه بلوک جریان حاکم برمی‌گشت که در سطح ظاهری خود، به صورت مواجهه حامیان سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف رخ می‌نمود؛ اما در سطح زیرین و واقعی خود، هراس خالص سازان و راست افراطی را از برچیده شدن اختیارات و امکانات خود بروز می‌داد که در این زمینه، حتی به زیر سوال بردن سیاست نظام در این انتخابات و عملکرد شورای نگهبان نیز دست زدند. این طیف خود بهتر می‌دانستند سطح بازی فراتر از پزشک‌ها و اصلاح‌طلبان است و به نوعی، تصمیم نظام در جهت به‌حاشیه راندن رادیکال‌ها، تقویت نیروهای میانه و ریشه‌دار دو جناح بود که این رخداد را شکل داد. به بیان دقیق‌تر و تئوریک، پروژه کلانی که این انتخابات می‌تواند گامی به سوی تحقق آن باشد، «احیای سیاست» و پایان دادن به دوران «تعلیق سیاست» است و طبیعتاً، نیروهایی که در دوران تعلیق سیاست، میدان‌دار و تربیون‌دار شده بودند از پیش‌برد و تحقق آن دلواپس و هراسان هستند؛ از یک‌سو، تندروهای راست افراطی در داخل و از سوی دیگر، طیف رادیکال اپوزیسیون که خواستار نامیدی کامل جامعه از اصلاحات و گرایش اکثریت به براندازی و تغییر ساختار هستند. چنان‌که در این انتخابات هم، دو جریان علیه نیروهای میانه در ائتلافی اعلام‌نشده بودند و رسانه‌ها و سخنگویان دو طرف، به یکدیگر پاس گل می‌دادند.



سرمقاله

پزشک‌ها و مسئله زنان و جوانان

چرا راه برای حضور سیاسی و مدیریتی زنان و جوانان چنانچه شایسته است باز نیست و آن را به یک مسئله مهم و حتی خطرناک تبدیل کرده است؟ مطالعه‌ای که در مدارس انجام شده نشان می‌دهد که نسل جدید فرزندان و نوجوانان ایران به‌ویژه دختران که اکنون حدود ده‌ساله هستند با ارزش‌های رسمی و حکومتی فاصله عمیقی دارند و در سال‌های آینده این گروه بزرگ خواهند شد و باید سکاتر جامعه و کشور شوند. در حالی که شکاف بزرگی با ارزش‌های رسمی دارند. این امر به چالشی بزرگ و حتی امنیتی برای کشور تبدیل خواهد شد. این مسئله اکنون بیش از گذشته مطرح است و انتظارات هم بحق زیاد و فشار به آقای پزشک‌ها جهت باز کردن راه کابینه برای زنان و جوانان زیاد شده است. چگونه باید به این مسئله نگاه کرد؟ ریشه‌های این مسئله در تصور نادرستی است که نسبت به مفهوم زن داریم. نگاه سنتی به زن در در دنیای جدید جواب نمی‌دهد. انقلاب از حیث تحولات آموزشی و فرهنگی و اجتماعی تحولی جدی برای عموم زنان ایجاد کرد. لذا نسبت ۳۰ درصدی دختران پذیرفته‌شده در دانشگاه پیش از انقلاب اکنون به بالای ۶۰ درصد رسیده که تفاوت بسیار زیادی است ولی در مقابل حضور آنان در اشتغال و مدیریت و سیاست همپای این تحول پیش نرفته است و همین امر موجب عدم تعادلی جدی میان «بود» و «نبود» زنان در حیات سیاسی و مدیریتی کشور شده است. از سوی دیگر، این بی‌توجهی و یا در واقع حذف و نادیده گرفتن آنان موجب شده که ظرفیت‌های واقعی زنان به منصف ظهور نرسد و گمان شود که زنان همچنان نسبت به مردان از نظر توانایی و مدیریتی در سطوح پایین‌تری قرار دارند. همچنین، تابوی نادرست و البته نانوشتن‌ای دربارهٔ وزیر شدن زنان وجود دارد که باید هرچه زودتر برداشته شود. اتفاقاً یک‌بار هم که برداشته شد نتایج مفیدی داشت. مشکل جوانان اعم از پسران یا دختران جوان حتی پیچیده‌تر از مسئله زنان است. هنگامی که انقلاب شد نسلی از جوانان متولی مدیریت امور شدند که در شرایط عادی شاید ۳۰ سال بعد باید در آن موقعیت‌های مدیریتی قرار می‌گرفتند بنابراین آنان ۲۵ تا ۳۰ سال زودتر از زمان متعارف در مصادرات امور قرار گرفتند در نتیجه بیش از ۴۵ سال است که به‌طور مستمر در همین مناصب حضور دارند و نتوانستند انتقال تجربه میان نسلی را کامل نمایند. به همین دلیل است که نوعی انقطاع نسلی رخ داده که بسیار خطرناک‌تر حتی از شکاف جنسیتی و مسئله زنان است. مهم‌تر اینکه میان نسل انقلاب و جوانان شکاف ارزشی هم رخ داده و اصولاً معیارهای گزینشی و استخدامی طوری طراحی شده که به‌جز افرادی معدود، دیگران قادر به ورود به این دایره بسته سیاست نیستند و بدون توجه به این محدودیت‌ها به نسل جوان اعتراض دارند که چرا از ارزش‌ها و الگوهای آنان تبعیت نمی‌کنند؟ اگر بخواهیم مختصر و مفید بگوییم، باید گفت که رویکرد سنتی نسبت به زنان در سیاست و مدیریت کشور با عملکرد حکومت در حوزه آموزش زنان و نیز جوانان همخوانی ندارد. باید در این باره تجدیدنظر اساسی کرد. آقای پزشک‌ها می‌تواند و می‌باید در حد ممکن این مسئله را در کابینه و مدیریت‌های زیرمجموعه دولت حل کند. مدیریت و کابینه ترکیبی، الگوی مناسبی برای تحقق این هدف است.

جامعه و انتخابات ۱۳-۱۴

یک وزیر زن معرفی می‌شود

بررسی روند تشکیل کابینه و مطالبات موقعیت زنان و گروه‌های اجتماعی در گفت‌وگو با **حمیده زرآبادی** سخنگوی ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان

عکس: آرش خاموشی، هم‌میدان